

بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری دانش‌آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین

سوده نادری^۱

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

دکتر مسعود باقری

استادیار روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

علی دره‌کردی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

غلامرضا ساردویی

کارشناس ارشد روان‌سنجی

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری در دانش‌آموزان دختر پایه سوم دبیرستان‌های دولتی ناحیه دو شهر کرمان با توجه به میزان تحصیلات والدین آنان بود. پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع مطالعات همبستگی و تحلیل رگرسیون است. بدین منظور، ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان دختر به روش تصادفی خوشه‌ای (چندمرحله‌ای) از بین دبیرستان‌های دولتی ناحیه دو شهر کرمان انتخاب شدند. ابزار تحقیق حاضر شامل پرسشنامه‌های سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی AISS (سینها و سینگ، ۱۹۹۳) و مقیاس دلبستگی بزرگسالان RAAS (کالینز و رید، ۱۹۹۰) و پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون سلسله‌مراتبی، می‌توان بیان داشت که ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی‌پذیر است؛ به طوری که با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر می‌شود. همچنین، سطح

^۱. نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: soudeh.naderi@yahoo.com

وصول: ۱۳۹۳/۸/۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲

تحصیلات والدین در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری (به ویژه سازگاری اجتماعی و آموزشی) نقش معنی‌داری دارد؛ به طوری که با افزایش میزان تحصیلات، دلبستگی ایمن بیشتر می‌شود و سازگاری افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی مادر، سازگاری، میزان تحصیلات والدین.

مقدمه

یکی از عوامل مهم و مؤثر رشد و تکامل انسان، خانواده است. در حقیقت، این خانواده است که بنیان شخصیت فرزندان را پایه‌ریزی می‌کند و در تعیین نقش بارز و آشکار واکنش‌های عاطفی، ادراک، نگرش‌ها و ارزش‌های کودک دارای اهمیتی ویژه است. نگرش‌ها و رفتار والدین، می‌توانند در جریان رشد و تکامل استقلال و سازگاری فرزندان تسهیل‌کننده یا مانع باشد. سازگاری موفقیت‌آمیز افراد، به عملکرد یکپارچه توانش‌های هیجانی بستگی دارد و جو خانوادگی که شامل روابط والدین و فرزندان است، می‌تواند در ایجاد سازگاری، نقش سازنده‌ای را ایفا نماید (محمودی، ۱۳۸۸). روان‌شناسان، به سازگاری فرد در برابر محیط توجه کرده‌اند و آن را به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان و جزئی از ویژگی‌های شخصیت بهنجار تلقی کرده‌اند. انسان با سازگاری و رفع نیاز و تحقق خواسته‌ها، خود را در شرایطی می‌بیند که سرشار از مقررات، محدودیت‌ها، امر و نهی‌ها، معیارها و آداب و رسوم اجتماعی است. آدمی باید خود را با این شرایط سازگار کند. بدین ترتیب، نه تنها موانع، مشکلات، ناکامی‌ها و شکست‌های او ناشی از اوضاع و احوال محیط اجتماعی است؛ بلکه نیازها، آرمان‌ها و هدف‌های وی نیز رنگ اجتماعی به خود گرفته و ساخته و پرداخته فرهنگ و محیطی می‌شود که در آن زندگی می‌کند. از این رو، مفهوم سازگاری از نظر انسان یعنی سازگاری اجتماعی (واندرز، مندز، دونر^۱، ۲۰۰۷). همچنین ویزمن^۲ می‌گوید: سازگاری اجتماعی، انعکاسی است از تکامل مراجع با دیگران، رضایت از نقش‌های خود و نحوه عملکرد در نقش‌ها که تحت تأثیر شخصیت قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار

¹. Wanders, Mendez, donner

². wizman

دارد (به نقل از نوابخش، ۱۳۹۰). بنابراین، اهمیت مهارت‌های اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی هیچ‌گاه نمی‌توان از نظر دور داشت. سازگاری، یکی از موضوع‌های مورد بررسی در نوجوانان است که کمبود در این زمینه می‌تواند پیامدهای زیان‌باری از جمله ناهنجاری‌ها، احساس ناامنی، مشکلات شخصیتی، عاطفی و اختلالات رفتاری و بزهکاری را به دنبال داشته باشد.

همچنین، انسان ذاتاً با طبیعت اجتماعی و گرایش به جمع آفریده شده است؛ به همین دلیل، بدون ارتباط متقابل با دیگران زندگی برایش مشکل است. هرچند ممکن است برخی از نیازهای انسان بدون ارتباط با دیگران برآورده شود؛ در عین حال، بسیاری از نیازها فقط از طریق تعامل با دیگران ارضا می‌شود. خانواده نیز محیطی اجتماعی است که کودک را زیر چتر سرپرستی و مراقبت قرار می‌دهد. کودک در این محیط، نوع ارتباط را می‌آموزد و در طی این ارتباطات، دلبستگی‌ها شکل می‌گیرد. دلبستگی شیوه‌ای است که برای مفهوم‌سازی و سنجش کیفیت روابط دوگانه به کار می‌رود (افروز، ۱۳۷۶). ویژگی بارز دلبستگی، پیوند عاطفی بین دو فرد است که نوعی حس ایمنی روان‌شناختی را رشد می‌دهد. در این بین، دلبستگی مادر و کودک به طور گسترده بررسی شده است و عقیده رایج این است که کیفیت دلبستگی، بر بسیاری از ابعاد زندگی کودکان اثرات دراز مدت دارد (کاترل^۱، ۱۹۹۲). همچنین بالبی^۲ (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) فرایند شکل‌گیری دلبستگی (پیوند عاطفی) نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سامانه (سیستم) احساسات و رفتارهای دلبستگی ماهیت تصورات و تجربه‌های فرد را از پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی تعیین می‌کنند. در پژوهش پیوسته گر، سیف، درویره، پورشهریاری (۱۳۸۵) نتایج نشان می‌دهد که والدین ایمن، فرزندان ایمن داشته و در میان گروه‌های نایمن، والدینی که سبک دلبستگی اضطرابی دارند، بیشتر از بقیه فرزندان‌شان دچار اختلال دلبستگی می‌شوند. همچنین، در این پژوهش همبستگی بین سبک اضطرابی مادر و اختلال دلبستگی کودک ۰/۴۲ و بین سبک اضطرابی پدر و اختلال دلبستگی کودک ۰/۴۰ است. معمولاً عقیده بر این

^۱. Kattrell

^۲. Bowlby

است که دلبستگی به والدین، در سازگاری کلی نوجوانان نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین، محققان معتقدند که نظریه دلبستگی به میزان زیادی به سازگاری عاطفی و مقابله با استرس مربوط است که سبک دلبستگی اجتنابی با حفظ فاصله هیجانی از دیگران و دوری از مواجهه با استرس‌ها مرتبط بوده و جهت‌گیری مضطرب-دوسوگرا با فرار هیجانی در تعاملات اجتماعی و احتیاط مفرط در مقابل منابع استرس‌زا رابطه دارد. اما سبک دلبستگی ایمن با سازگاری مناسب و انعطاف‌پذیری در برابر تجارب هیجانی و تحمل رویدادهای استرس‌زا (بدون این که به وسیله آنها در هم بشکنند) ارتباط دارد (سیمپسون^۱، ۱۹۹۹). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند سبک‌های دلبستگی به عنوان یک عامل تحولی در گرایش‌های شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت یک تعیین‌کننده مهم است. چنان‌که کارلسون و اسروف^۲ (۱۹۹۵) بر اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی در یک پارچه کردن مؤلفه‌های عاطفی، اجتماعی، انگیزشی، شناختی و رفتاری تأکید کرده‌اند. آل‌یاگون و مارگالیت^۳ (۲۰۱۳) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که دلبستگی والدین نقش منحصر به فردی در ویژگی‌های درونی کودکان مثل احساس تنهایی، حس انسجام، امید و تلاش و اختلالات رفتاری دارد. گرشام و گالن^۴ (۲۰۱۲) نشان دادند که دلبستگی والدین با تأثیرگذاری در تعاملات آینده کودکان و همچنین تنظیم احساسات آنان در موقعیت‌های گوناگون تا دوران بلوغ اثربخش است. سکال، دنهام و زیمینرمن^۵ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای، ارتباط ویژگی‌های خانوادگی (دلبستگی به والدین و ساختار خانواده) را با انحرافات رفتاری شامل بزهکاری، مصرف مواد مخدر و سیگار در نوجوانان بررسی کردند. نتایج نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین دلبستگی والدین، به ویژه مادر و هرکدام از رفتارهای ناسازگارانه در نوجوانان وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت والدین، به خصوص مادران در سازگاری آموزشی، اجتماعی و فردی دانشجویان نقش مهمی را ایفا می‌کند (روشنایی،

¹. Simpson

². Carlson, Sroof

³. Al-Yagon, Margalit

⁴. Gresham, Gullone

⁵. Sokol, Dunham, Zimenerman

۱۳۸۹). همچنین، یافته‌های آل‌یاگون (۲۰۱۲) نشان داد که دلبستگی به والدین، نقش بسزایی در عملکرد نوجوانان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری دارد.

همچنین، بررسی اثرات تفکر و باورهای والدین بر جنبه‌های مختلف رشد کودکان، یکی از زمینه‌های تحقیقی بسیار فعال در سال‌های اخیر بوده است. در طی دو دهه گذشته، علاقه روان‌شناسان به بررسی اثرات زمینه فرهنگی (جمعیت‌شناختی)، بر رشد کودکان فزونی داشته است. چنین به نظر می‌آید که زمینه فرهنگی خانواده، بر پرورش فرزندان تأثیر مهمی داشته باشد. این موضوع که سلامتی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی مرتبط بوده، مدت‌های طولانی است که آشکار شده است. چون انسان‌ها حیوانات اجتماعی هستند، احساس خوب بودن آنها به میزان زیادی به وسیله تعاملات اجتماعی آنها تعیین می‌شود. مدت‌ها پیش کشف شده بود که افراد با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین از نظر میزان و اهمیت انواع بیماریها، بیشتر از افرادی که در وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالایی هستند، آسیب می‌بینند. همچنین، در مطالعات زیادی نشان داده شده است افرادی که در کودکی و بزرگسالی، در وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین قرار داشتند، شیوع بیشتری از خودکشی، اختلالات روان‌پزشکی، میزان اختلالات اضطرابی، اختلالات عاطفی، افسردگی، سوء مصرف مواد، مصرف مواد و داروها، کاهش عملکرد و سلامت روانی و جسمی و بیماری‌های قلبی-عروقی و مشکلات اسکلتی-عضلانی را دارند (غلامی، عارف‌نظری، باقری، ۱۳۸۷). همچنین از بعد عوامل اجتماعی در اکثر پژوهش‌ها، درآمد، شغل و سطح تحصیلات به عنوان سه شاخص عمده موقعیت اقتصادی-اجتماعی مطرح‌اند (ولف^۱، ۱۹۹۱). سطح تحصیلات والدین، به ویژه مادر، به عنوان فردی که بیش‌ترین تعاملات را با کودک دارد، بر میزان رفتارهای اجتماعی کودک، از جمله مهارت‌های اجتماعی، تعاملات اجتماعی مؤثر و موفق و افزایش عملکرد وی مؤثر است. بنابراین، اثر افزایش سطح تحصیلات والدین بر عملکرد تحصیلی و افزایش مهارت اجتماعی کودکان قابل ملاحظه است. همچنین، تحصیلات والدین، یک عامل پیش‌بینی‌کننده محیط خانوادگی مثبت، کیفیت بهینه تعامل

¹. Wolf

والدینی و تیندگی کمتر به شمار می‌رود (کنل و پرینز^۱، ۲۰۰۲). نتایج بررسی‌های رستمی و احمدنیا (۱۳۸۹) نشان داد که رابطه معناداری بین تحصیلات والدین دانش‌آموزان با میزان سازگاری اجتماعی آنان وجود دارد. در پژوهشی که توسط دنهام و همکاران (۲۰۰۳) صورت پذیرفت، نتایج حاکی از آن بود که بین ویژگی‌های خانوادگی کودک از جمله طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات والدین با تعاملات اجتماعی کودک رابطه معنی‌داری وجود دارد (به نقل از شاهی، میرزمانی، افروز، ۱۳۸۸). یافته‌ها در بعد میزان تحصیلات والدین بیانگر آن است که هرچه میزان تحصیلات والدین افزایش یابد، فضای حاکم بر خانواده، همنوایی و همسانی کمتری خواهد داشت و تعاملات والد-فرزند مثبت‌تر و بهنجارتر خواهد بود؛ در نتیجه به همان میزان، سازگاری و سلامت روانی فرزندان (به ویژه نوجوانان) بیشتر تأمین خواهد شد (صادقی، ۱۳۹۰). بنابراین، تحصیلات به عنوان یک مهارت اجتماعی به افراد یاد می‌دهد که منطقی و عقلانی فکر کنند، جنبه‌های بیشتری از یک مسئله را ببینند و مشکلات را حل کنند. تحصیلات به فرد توانایی و انگیزه پیشرفت و کنترل زندگی می‌دهد و نقشی اساسی در سلامت ایفا می‌کند؛ چون یک منبع حمایتی مهم به شمار می‌رود (راس و میروسکی^۲، ۲۰۰۶).

تا کنون پژوهش‌چندانی در زمینه بررسی رابطه دلبستگی مادران با فرزندان و نیز بررسی تعامل آن با تحصیلات والدین انجام نگرفته است. همچنین، در این راستا پژوهش حاضر با فرض بر وجود رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری با توجه به نقش تحصیلات والدین به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری در دانش‌آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین پرداخته است.

روش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع مطالعات همبستگی و تحلیل رگرسیون است.

¹. Connell, prinz

². Ross, Mirowsky

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر پایه سوم دبیرستان‌های دولتی ناحیه دو شهر کرمان که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بودند، به همراه مادران آن‌ها تشکیل دادند. مشارکت کنندگان این پژوهش، ۳۱۳ دانش‌آموز دختر پایه سوم دبیرستان هستند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای (چند مرحله‌ای) به استناد جدول مورگان انتخاب و آزمون شدند. به علت افت و ریزش، حجم نمونه به ۲۹۵ نفر کاهش یافت. شیوه انتخاب مشارکت کنندگان بدین صورت بود که ابتدا از دو منطقه آموزش و پرورش کرمان، ناحیه دو به صورت تصادفی انتخاب و از بین دبیرستان‌های ناحیه دو، مدارس دولتی انتخاب شدند. در مرحله بعد، از بین ۱۷ دبیرستان دخترانه دولتی این ناحیه، شش مدرسه به صورت تصادفی تفکیک و سپس در هر دبیرستان از پایه سوم، دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و از همه افراد کلاس خواسته شد که به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

ابزار:

پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی (AISS): توسط سینها و سینگ^۱ در سال ۱۹۹۳ تهیه شد و در سال ۱۹۹۸ توسط کرمی ترجمه و نگارش شده است. این پرسشنامه در صدد آن است تا دانش‌آموزان دبیرستانی (گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال) با سازگاری مناسب را از دانش‌آموزان با سازگاری ضعیف در سه حوزه سازگاری (آموزشی، اجتماعی و عاطفی) جدا سازد. پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال (برای هر حوزه سازگاری ۲۰ سؤال) می‌شود. برای پاسخ‌هایی که نشانگر سازگاری است، نمره «صفر» منظور و در غیر این صورت، «یک» محاسبه می‌شود. ضریب پایایی این آزمون با روش دونیمه کردن ۰/۹۵ و برای خرده‌مقیاس‌های عاطفی، اجتماعی و آموزشی به ترتیب برابر ۰/۹۴، ۰/۹۳ و ۰/۹۶ به دست آمده است. در ایران نیز روایی محتوایی و صوری این آزمون توسط گروهی از روان‌شناسان درباره حوزه‌های مختلف آزمون برابر با ۰/۷۱ به دست آمد. نویدی (۱۳۸۷) با اجرای این پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ را برای سازگاری کل ۰/۸۲ و برای سازگاری آموزشی،

¹. Sinha, & Singe

عاطفی و اجتماعی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۶۵ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفا برای مقیاس سازگاری (۰/۷۴) به دست آمد. هم‌چنین، ضریب آلفا برای سازگاری اجتماعی (۰/۷۰)، برای سازگاری عاطفی (۰/۷۲) و برای سازگاری آموزشی نیز (۰/۷۲) به دست آمد که بیانگر پایایی پذیرفتنی پرسشنامه است.

مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان (RAAS): این مقیاس، ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و ریڈ^۱ تهیه و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان، چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را بررسی می‌کند. مقیاس یادشده، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این آزمون در قالب سه زیر مقیاس (وابستگی، نزدیکی، اضطراب) شکل گرفته است که به هر یک از زیرمقیاس‌ها، شش عبارت اختصاص یافته و برای به‌دست آوردن نمرات مربوط به هر زیرمقیاس، امتیاز عبارات مربوط به آن را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارات (شش) تقسیم می‌کنیم. سپس آزمودنی‌ها براساس نمره کسب‌شده به سه سبک (ایمن، نایمن اجتنابی، نایمن اضطرابی - دوسوگرا) طبقه‌بندی می‌شوند. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۶۸ و ۰/۵۲ گزارش شده است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد به صورت همبستگی انجام گرفته است و نتایج آزمون در سطح ۹۵٪ قابل اعتماد است. از سوی دیگر، با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص شد که زیر مقیاس اضطراب (A) بیش‌ترین قابلیت اعتماد (۷۴٪) و وابستگی (D) کم‌ترین قابلیت اعتماد (۲۸٪) را دارد و قابلیت اعتماد زیرمقیاس نزدیک‌بودن در حد متوسط (۵۲٪) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است.

در پژوهش حاضر، مؤلفه سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و میزان تحصیلات والدین به عنوان متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه سازگاری (آموزشی، اجتماعی، عاطفی) به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند و داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون رگرسیون

¹. Collins, Read

چندگانه و تحلیل واریانس دو طرفه و از طریق نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۱۶ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

در جدول یک، یافته‌های توصیفی جهت نشان دادن وضعیت گروه‌ها برحسب تحصیلات پدر و مادر ارائه شده است.

جدول ۱. وضعیت گروه‌ها بر حسب تحصیلات پدر و مادر

آزمایش (مادر)		آزمایش (پدر)		تحصیلات
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۸/۳	۵۴	۱۷/۶	۵۲	تحصیلات زیر دیپلم
۳۵/۵	۱۰۲	۳۳/۶	۹۹	دیپلم
۱۱/۵	۳۳	۱۵/۹	۴۷	فوق دیپلم
۲۸/۵	۸۴	۲۳/۱	۶۸	لیسانس
۵/۱	۱۵	۶/۵	۲۲	فوق لیسانس
۲/۳	۷	۲/۳	۷	نامشخص
۱۰۰	۲۹۵	۱۰۰	۲۹۵	کل

برای بررسی دقیق‌تر فرضیه پژوهش از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و سازگاری عاطفی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند و سپس در مرحله دوم تحصیلات والدین نیز به عنوان متغیر واسطه وارد معادله شد، که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: رگرسیون سلسله مراتبی بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری عاطفی و تحصیلات والدین

R ²	R	معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل	پیش‌بینی کننده
۰/۰۴۸	۰/۲۱۹	۰/۰۱	۷/۱۶	۶۸/۵۷	۲	۱۳۷/۱۴	رگرسیون	سبک‌های دلبستگی
				۹/۵۶	۲۸۴	۲۷۱۷/۱۲	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۸۵۴/۲۷	کل	
۰/۰۵۸	۰/۲۴۰	۰/۰۱	۴/۳۰	۴۱/۱۹	۴	۱۶۴/۷۶	رگرسیون	سبک‌های دلبستگی و تحصیلات والدین
				۹/۵۴	۲۸۲	۲۶۸۹/۵۶	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۸۵۴/۲۷	کل	

همان‌گونه که نتایج به‌دست آمده از رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد، در مرحله اول متغیر مستقل (سبک‌های دلبستگی) با مقدار بحرانی ($F=7/16$) با درجات آزادی (۲ و ۲۸۴) در سطح (۰/۰۱) معنی دار است؛ در نتیجه می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی، پیش‌بینی کننده معنی داری برای سازگاری است. ضریب همبستگی چندمتغیری برابر با (۰/۲۱۹) است که با محاسبه ضریب تعیین ($R^2=0/219^2=0/048 \times 100=4\%$) می‌توان گفت ۴٪ از سازگاری در نمونه مطالعه شده از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی پذیر است. در مرحله دوم تحصیلات والدین به معادله رگرسیون وارد شده است که مقدار بحرانی در این مرحله ($F=4/30$) با درجات آزادی (۴ و ۲۸۲) در سطح (۰/۰۱) معنی دار است. اضافه شدن تحصیلات والدین تغییر معنی داری در ضریب همبستگی چند متغیری (۰/۲۴۰) و میزان تبیین (۰/۰۵۸) ایجاد نکرده است.

برای بررسی دقیق‌تر فرضیه پژوهش، از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و سازگاری اجتماعی به عنوان متغیر ملاک به معادله وارد شدند و سپس در مرحله دوم، تحصیلات والدین نیز به عنوان متغیر واسطه به معادله وارد شد که نتایج آن در جدول سه ارائه شده است.

جدول ۳. رگرسیون سلسله مراتبی بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی و تحصیلات والدین

R ²	R	سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل	پیش‌بینی کننده
۰/۱۰۲	۰/۳۱۹	۰/۰۱	۱۵/۰۷	۱۳۱/۶۹	۲	۲۶۳/۳۸	رگرسیون	سبک‌های دلبستگی
				۸/۳۴	۲۸۴	۲۳۷۰/۴۴	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۶۳۳/۸۲	کل	
۰/۱۷۸	۰/۴۲۲	۰/۰۱	۱۵/۲۸	۱۱۷/۲۹	۴	۴۶۹/۱۹	رگرسیون	سبک‌های دلبستگی تحصیلات والدین
				۷/۶۷	۲۸۲	۲۱۶۴/۶۲	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۶۳۳/۸۲	کل	

همان‌گونه که نتایج به‌دست آمده از رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد، در مرحله اول متغیر مستقل (سبک‌های دلبستگی) با مقدار بحرانی ($F=15/07$) با درجات آزادی (۲ و ۲۸۴) معنی‌دار است. ضریب همبستگی چند متغیری (۰/۳۱۹) و ضریب تبیین (۰/۱۰۲) نشان می‌دهد که ۰/۵۱ از سازگاری اجتماعی از طریق سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی می‌شود. در مرحله دوم، تحصیلات والدین به معادله رگرسیون وارد شده است که مقدار بحرانی در این مرحله ($F=15/28$) با درجات آزادی (۴ و ۲۸۲) در سطح (۰/۰۱) معنی‌دار است. با اضافه شدن تحصیلات والدین، تغییر معنی‌داری در ضریب همبستگی چند متغیری (۰/۴۲۲) و میزان تبیین (۰/۱۷۸) ایجاد شد. در نتیجه، می‌توان گفت تحصیلات والدین نقش معنی‌داری در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی دارد.

برای بررسی دقیق‌تر فرضیه پژوهش، از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و سازگاری آموزشی به عنوان متغیر ملاک به معادله وارد شدند و سپس در مرحله دوم تحصیلات والدین نیز به عنوان متغیر واسطه وارد معادله شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. رگرسیون سلسله مراتبی بین سبک های دلبستگی و سازگاری آموزشی و تحصیلات والدین

R ²	R	سطح معنی داری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	مدل	پیش بینی کننده
۰/۱۲	۰/۳۴۶	۰/۰۱	۱۹/۳۶	۱۶۵۱/۵۱	۲	۳۳۰۳/۰۲	رگرسیون	سبک های دلبستگی
				۸۵/۲۸	۲۸۴	۲۴۲۲۲/۱۸	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۷۵۲۵/۲۰	کل	
۰/۱۹۲	۰/۴۳۸	۰/۰۱	۱۶/۷۵	۱۳۲۱/۲۰	۴	۵۲۸۴/۸۲	رگرسیون	سبک های دلبستگی تحصیلات والدین
				۷۸/۸۶	۲۸۲	۲۲۲۴۰/۳۸	باقیمانده	
					۲۸۶	۲۷۵۲۵/۲۰	کل	

همان گونه که نتایج به دست آمده از رگرسیون سلسله مراتبی نشان می دهد، در مرحله اول متغیر مستقل (سبک های دلبستگی) با مقدار بحرانی ($F=19/36$) با درجات آزادی (۲) و (۲۸۴) معنی دار است. با اضافه شدن تحصیلات والدین تغییر معنی داری در ضریب همبستگی چند متغیری (۰/۴۳۸) و میزان تبیین (۰/۱۹۲) ایجاد شد. در نتیجه، می توان گفت تحصیلات والدین نقش معنی داری در ارتباط بین سبک های دلبستگی و سازگاری آموزشی دارد.

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که اشاره شد، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی مادر با سازگاری دانش آموزان دختر با توجه به میزان تحصیلات والدین آنان بود. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط مثبت معنی داری بین سبک دلبستگی ایمن مادر با سازگاری دانش آموزان دختر و ارتباط منفی معنی داری بین سبک های دلبستگی (اجتنابی و مضطرب دوسوگرا) مادر با سازگاری آنان وجود دارد. همچنین، تحصیلات والدین نقش معنی داری در ارتباط بین سبک های دلبستگی و به ویژه، سازگاری آموزشی و اجتماعی دارد. نتایج حاکی از این است که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که سبک های دلبستگی مادر و میزان تحصیلات والدین قدرت تبیین و پیش بینی سازگاری در دانش آموزان را دارند، پذیرفته می شود.

نتایج، رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با سازگاری با پژوهش‌های پیشین، پیوسته‌گر و همکاران (۱۳۸۵)، روشنایی (۱۳۸۹)، آل‌یاگون و مارگالیت (۲۰۱۳)، آل‌یاگون (۲۰۱۲)، گرشام و گالن (۲۰۱۲)، سکال و همکاران (۲۰۰۳)، سیمپسون (۱۹۹۹)، کارلسون و آسروف (۱۹۹۵)، همخوانی نسبی دارد. در تبیین این یافته‌ها، می‌توان بیان داشت که سبک دلبستگی بنا به ماهیت نظری گسترده‌تر، توان قوی‌تری برای پیش‌بینی سازگاری در ابعاد مختلف دارد. در تحقیقی طولی که در خلال سال‌های ۱۹۸۵ در دانشگاه ایلنویز آغاز شد، رد پای کودکان دارای انواع سبک دلبستگی را تا زمانی که به نوجوانی رسیدند دنبال کردند. در مقایسه‌ی این افراد با یکدیگر، با تأکید بر سبک دلبستگی والدین و تفاوت‌های بین افراد در نوجوانی به نتایج جالب دست یافتند که با توجه به آن‌ها می‌توان سبک‌های دلبستگی را در سازگاری عاطفی و تحصیلی و اجتماعی برجسته کرد. مادرانی که سبک دلبستگی ایمن دارند، فرزندان‌شان در برابر تکانه مقاومت داشتند و کامروا سازی را به تأخیر می‌انداختند و دارای خصایل زیر بودند: کارآمد و دارای قدرت ابراز وجود، از نظر اجتماعی صالح‌تر، توانایی مقابله بهتر در مقابل ناکامی‌های زندگی، احتمال کمتر برای ازهم‌پاشیدگی در اثر فشار روانی، استقبال از چالش‌ها به جای عقب‌نشینی در برابر آن‌ها، قابل اعتماد، متکی به خود و خلاقیت بالا. مادران ایمن در زمان حضور با تلاش گاه‌به‌گاه در مجاورت با کودک، اکتشاف فعال، ابتکار و چالش را ترغیب می‌کنند (هترینگتون و پارک، ۱۹۸۹، ترجمه‌ی طهوریان و همکاران، ۱۳۷۳). همچنین، مادران ایمن در تماس‌های بدنی با فرزندان‌شان نسبت به والدین کودکان نایمن، از خود شایستگی نشان می‌دهند. هماهنگی در رفتار والد عامل مهمی است که به ایمنی کودک منجر می‌شود.

والدینی که در رفتار خود با فرزندان‌شان ثبات دارند و هماهنگ عمل می‌کنند، به گونه‌ای که کودک می‌تواند الگوی رفتاری آنها را پیش‌بینی کند، کودکان ایمنی را تربیت می‌کنند (اینزوورث^۱، ۱۹۷۸). رزکراسنر، روبین، بوت، کاپلان^۲ (۱۹۹۶) برای سنجش کفایت اجتماعی، کودکان چهارساله را مشاهده و مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و کیفیت

^۱. Ainsworth

^۲. Rose-Krasnor, Rubin, Booth, Coplan

تعهد اجتماعی آنها را ارزیابی کردند و به این نتیجه رسیدند که دلبستگی ایمنی مادرانه با بعد تعهد و کفایت اجتماعی رابطه مثبت دارد. مطالعه لوپز و گورملی^۱، لاپسلی و ادگرتن^۲ (۲۰۰۲) درباره سبک‌های دلبستگی، نشان داده است که بین نایمنی دلبستگی بزرگ‌سال و شاخص‌های وسیعی از ناسازگاری و درماندگی روان‌شناختی ارتباطی قوی وجود دارد. به علاوه، نتایج پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین میزان تحصیلات والدین با سبک‌های دلبستگی و سازگاری با پژوهش‌های غلامی و همکاران (۱۳۸۷)، صادقی (۱۳۹۰)، ولف (۱۹۹۱)، کنل و پرینز (۲۰۰۲)، دنهام و همکاران (۲۰۰۳)، همخوانی نسبی دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که اعتقادات و باورهای والدین که تحت تأثیر زمینه فرهنگی از جمله میزان تحصیلات آنان قرار می‌گیرند، تأثیر مهمی در نحوه فرزندپروری و در نتیجه رشد کودک، از جمله توانایی‌های شناختی و هوشی او دارد. همچنین، تحصیلات والدین می‌تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشد؛ والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفیدتر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و بهتری برخوردار خواهند بود و دارای موقعیت خوب اجتماعی هستند. این امر، به نوبه خود بر نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها تأثیر مثبتی می‌گذارد و این افراد، در نتیجه بهتر می‌توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد و سازگاری مؤثر در آنها می‌شود. در حالی که کودکی که والدین وی تحصیلات خوبی ندارد، ارتباط و تعامل کم‌تری با والدین نسبت به دیگر کودکان دارد. البته تحصیلات به تنهایی نمی‌تواند عامل پیشرفت فرد محسوب شود؛ اما می‌تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتر گردد، و نیز شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. خانواده‌های با تحصیلات بالاتر، فرزندان کم‌تری دارند و بنابراین بهتر می‌توانند با آنها در ارتباط باشند و معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسایل آنها دارند. کودکی که در کنار بزرگ‌سالان تحصیل کرده، اهل

¹. Lopez, Gormley

². Lapsley, Edgerton

مطالعه و باحوصله پرورش یافته و بزرگ می‌شود؛ مسلماً پیشرفت تحصیلی و نحوه ارتباط اجتماعی وی از دیگر کودکانی که از چنین محیط مساعدی بی‌بهره‌اند به مراتب بالاتر است (هالت، ۱۳۸۷).

با توجه به یافته‌های این پژوهش که تأثیر متغیر دلبستگی مادر بر سازگاری دانش‌آموزان و ارتباط آن با میزان تحصیلات والدین را سنجیده است، پیشنهاد می‌شود که: در پژوهش‌های آتی عوامل مؤثر دیگری همچون دلبستگی پدر، عوامل جمعیت‌شناختی دیگر مانند میزان درآمد، شغل، موقعیت اجتماعی در نمونه‌های مختلف بررسی شود تا اطلاعات جامع‌تری به دست آید. همچنین، این پژوهش درباره‌ی دختران اجرا شده است که پژوهش‌های بعدی می‌تواند متغیر پژوهش را در جمعیت گسترده‌تر و در هر دو جنس بررسی نماید. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی با حجم نمونه‌های بزرگ اعم از بومی یا غیر بومی در دیگر جمعیت‌ها انجام پذیرد تا با دقت بیشتری بتوان نتایج حاصل را به دیگر جمعیت‌ها تعمیم داد.

پژوهش حاضر نیز دارای محدودیت‌هایی است که در نتیجه‌گیری و تعمیم نتایج باید به آن توجه شود. این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است که نتیجه‌گیری علی را درباره‌ی یافته‌ها دشوار می‌سازد. همچنین، این پژوهش بر نمونه‌ای از دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دبیرستان شهر کرمان انجام شده؛ بنابراین باید در تعمیم نتایج به سایر افراد احتیاط شود. همچنین، جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها که با همکاری نکردن بعضی دانش‌آموزان و والدین آنها مواجه شد، باعث می‌شود احتیاط بیش‌تری در تعمیم نتایج به عمل آوریم.

منابع

افروز، غلامرضا (۱۳۷۶). *کرمویی و روشهای درمان آن*. چاپ اول. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پیوسته گر، مهرانگیز، سیف، سوسن، درویزه، زهرا، پورشه‌ریاری، مه‌سیما (۱۳۸۵). پیش‌بینی اختلال دلبستگی کودکان دبستانی بر اساس سبک دلبستگی والدین آنها. *مطالعات روان‌شناختی*. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، ۲ (۱ و ۲)، ۱۲۵-۱۴۶.

- رستمی، صباح، احمدنیا، شیرین (۱۳۸۹). تعیین سهم مؤلفه‌های حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر جوانرود سال ۱۳۸۹. فصلنامه پژوهش اجتماعی. ۴ (۱۱)، ۱۲۹-۱۴۷.
- روشنایی، مهرناز (۱۳۸۹). تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۵۵، ۴۳-۱۹.
- سینها، ای، کاپی. سینگ، آر. پی. (۱۹۹۳). پرسشنامه سازگاری برای دانش‌آموزان دبیرستانی. ترجمه ابولفضل کرمی. مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا (روان تجهیز).
- شاهی، یوسف، میرزمانی، محمود، افروز، غلامعلی (۱۳۸۸). تأثیر سطح تحصیلات والدین بر مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مبتلا به نشانگان داون. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی. ۱۱ (۲)، ۱۴۱-۱۴۸.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۰). بررسی تفاوت بین تحصیلات والدین با نگرش نوجوانان نسبت به ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده. دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده.
- غلامی، مریم، عارف نظری، مسعود، باقری، فریبرز (۱۳۸۷). بررسی ارتباط میان اختلالات خواب، افسردگی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و سطح تحصیلات. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. مجله پژوهش دینی، ۲۲، ۳۳-۶۴.
- نویدی، احد (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های سازگاری پسران دوره متوسطه شهر تهران. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۴ (۴)، ۳۹۴-۴۰۳.
- هالت، جان (۱۳۸۷). زمینه‌ای بر شکست تحصیلی. ترجمه دکتر مهشید فروغان. انتشارات قطره، چاپ سوم.
- هترینگتونوپارک (۱۳۸۹). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر (جلد اول). ترجمه جواد طهوریان و همکاران (۱۳۷۳). مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.

Ainsworth, M. D. (1978). Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation, Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Al-Yagon, M. (2012). Adolescents with learning disabilities: socioemotional and behavioral functioning and attachment

- relationships with fathers, mothers, and teachers. *Journal of Youth and Adolescence*, 41,1294–1311.
- Al-Yagon, M., & Margalit, M. (2013). Social cognition of children and adolescents with LD: intrapersonal and interpersonal perspectives. In: Swanson HL, Harris K, Graham S (eds) *Handbook of learning disabilities*, 2nd edn. Guilford Press, New York, pp 278–292.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and loss. London: *The Hogarth Press and Institute of Psycho Analysis*, 1-25.
- Bowlby, J. (1973). Attachment and loss, Vol.2. separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). Attachment and loss, Vol.3. loss. New York: Basic Books. Bowlby's Secure Base Theory and the Social Personality Psychology of Attachment Styles: Work(s) in Progress; *Attachment and Human Development*, 4, 230-242.
- Carlston, E. A., Sroufe, L.A. (1995). Contribution of Attachment theory to Development. New York: Wiley.
- Connell, C. M., Prinz, R.J. (2002). The impact of childcare and parent child interactions on school readiness and social skills development for low-income African American children. *The Journal of School Psychology*, 40(2),177-93.
- Cottrell, J.L. (1992). The relation of attachment and supports to adolescent well-being and school adjustment. *Journal of Adolescent Research*, 7, 28-42.
- Gresham, D., & Gullone, E. (2012). Emotion regulation strategy use in children and adolescents: the explanatory roles of personality and attachment. *Personality and Individual Differences*, 52, 616–621.
- Lapsley, D.K., & Edgerton, J. (2002). Separation Individualization, Adult Attachment Style, and College Adjustment, *Journal of Counseling and Development*, 80, 484-495.
- Lopez, F. G., Mitchell, P., & Gormley, B. (2002). Adult attachment orientations and college student distress: Test of a mediational model. *Journal of counseling Psychology*, 49, 460-467.
- Rose-Krasnor, L., Rubin K.H., Booth C.L., Coplan, R. (1996). The relation of maternal directive ness and child attachment security to social competence in preschoolers. *The International Journal of Behavioral Development*, 19, 309-25.

-
- Ross, C.E., Mirowsky. (2006). Sex differences in the effect of education on depression: Resource multiplication or resource substitution? *Social Science & Medicine*; 63: 1400-1413.
- Simpson, J. A. (1999). Influence of attachment style on romantic relationships. *Journal of personality and social Psychology*, 59, 997-980.
- Sokol-Katz, J., Dunham, R., Zimenerman, R. (2003). Family structure versus parental attachment in controlling adolescent deviant behavior: A social control model. Department of Sociology, University of Miami, Coral Gables, FL 33124, USA.
- Wolf, D. A. (1991). Preventing physical and emotional abuse of children. New York: Guilford Press.

The relationship between maternal attachment styles and adjustment of students according to the educational level of parents

S. Naderi, M. Bagheri, A. Darekordi, Gh. Sardouei

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between maternal attachment styles, the compatibility of third-grade girls in public high schools of the city of Kerman, according to the education level of their parents in the school year 90-91. The present study is a descriptive study of correlation and regression analysis. For this purpose, 295 female students randomly (multi-stage) between the two public high schools in Kerman were selected. The present study included adjustment tool for High School Students (AISS) and Adults Attachment Scale (RAAS), and demographic questions. To analyze the data, hierarchical regression was used. According to the results obtained from the hierarchical regression can be of different dimensions that fit through the available attachment styles and is forecast, so that by increasing the safe attachment, be more compatible. Parental education levels, as well as a significant role in the relationship between attachment styles and compatibility is especially educational and social. So that with increasing level of education, the more secure attachment and adjustment will increase.

Keywords: education, parental attachment, adjustment